

حکومت افغانستان در بارندگی‌های اخیر نسبت به حقابۀ ایران چطور رفتار کرد

امارت در سیلاب هم آب را روی سیستان بست؟



علی ملکی خبرنگار گروه نقد روز

سال‌هاست که ذخایر آبی کشور دچار بحران شده و حتی سازمان‌های بین‌المللی هم هشدارهایی مبنی بر وقوع این بحران در کشور داده‌اند. دست‌وپنجه نرم می‌کنند. یکی از بزرگترین مشکلات استان، خلف وعده مقامات کشور همسایه یعنی افغانستان در رهاسازی حقباقه ایران از رودخانه هیرمند است. البته قسمت‌هایی از این استان به‌طور میانگین هر سه سال یکبار بیش از ۳ تا ۵ میلیارد مترمکعب بارش باران را تجربه می‌کند و حتی سیل نیز خسارت‌های قابل توجهی به این نقطه از کشور وارد کرده است. اما به دلیل مدیریت نه‌چندان مناسب، این حجم از آب وارد دریا شده و فرصت استفاده از آن از بین می‌رود. همین بارش‌ها در صورت مدیریت صحیح می‌تواند استان را از بحران اولیه آبی نجات دهد اما ضعیف بودن راهبردهای مدیریتی باعث شده تا سیستانی‌ها بهره‌چندانی از این نزولات آسمانی نداشته باشند. از سوی دیگر مسائل امنیتی که پس از ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ در سیستان و بلوچستان شکل گرفت و حملات تروریستی که در راسک و چابهار صورت گرفت، نگاه توسعه‌ای استان را به امنیتی تغییر داده و اولویت‌ها را جابه‌جا کرده است.

نیم قرن چانه‌زنی برسر آب

به دنبال کشمکش‌های تاریخی بر سر ذخایر آبی در منطقه، معاهده حقباقه میان افغانستان و ایران بر سر رود هیرمند که از کوه‌های هندوکش سرچشمه می‌گیرد در اسفندماه سال ۱۳۵۱ به امضای نخست‌وزیران دو کشور رسید و سه ماه بعد در خردادماه ۱۳۵۲ مجالس قانونگذاری دو کشور این معاهده را تصویب کردند. تصویب این معاهده شرایط حقوقی استفاده از هیرمند را برای ایران و افغانستان مشخص کرد. براساس این معاهده، حقباقه ایران ۲۶ مترمکعب در ثانیه آن هم در سال‌های معمولی و نرمال آبی است. این معاهده، سال معمولی و نرمال آبی را نیز تعریف کرده که براساس سنجش مرکز سنجش دهبارود مشخص می‌شود و آن هم طوری است که یک سال نرمال آبی در حوضه آبی هیرمند چیزی حدود شش میلیارد و ۵۰۰ میلیون مترمکعب آب می‌باشد. براساس محاسبه حقباقه ایران سالانه به ۸۲۰ میلیون مترمکعب می‌رسد. با این حال از زمان به امضا رسیدن این معاهده تاکنون، دولت افغانستان آنچنان‌که باید به مفاد آن عمل نکرده است. چنانچه در سال‌های اخیر با وجود دیدارها و گفت‌وگوهای متعدد میان مقامات دو کشور بر سر احقاق حقوق ایران و رهاسازی آب هیرمند به سوی دریاچه هامون، در سال آبی جدید، ۱۱ درصد از حقباقه ۸۲۰ میلیون مترمکعبی به سمت ایران روانه شده است.

ماجراجویی اردوغان در چهارراه آسیا

کارشناسان معتقدند مسألهٔ آب در سیستان به دلیل قرارگیری در شرایط خاص و بحرانی، تبدیل به یک ابزار سیاسی و انتفاعی شده است. چنانچه بسیاری از سده‌هایی که در افغانستان ساخته می‌شود به صورت سفارشی هستند. در این میان، کشورهایی مثل هندوستان و ترکیه به دلایل سیاسی، اقتصادی و استراتژیکی در سدسازی‌های افغانستان روی کانال هیرمند و

سده‌های دربندی خان و هریرود نقش بسزایی دارند. درواقع افغانستان با این سرمایه‌گذاری‌های خارجی موفق به اجرای برنامه‌های آبی خود شد و ایران یکی از کشورهای است که از این پروژه‌ها متضرر می‌شود. امنیتی‌سازی موضوع آب در کابینه کابل، مردم این کشور را نیز تحت تاثیر قرار داده است. مردم افغانستان و حتی دانشجویان افغانستانی که در خارج از این کشور زندگی می‌کنند نیز نسبت به کوچک‌ترین کنش آبی در منطقه، واکنش نشان می‌دهند. این درحالی است که کشور ما از چنین نیروهای فعالی کم‌تصیب است و متأسفانه نسبت به دغدغه‌ها و طرح‌های همان تعداد محدود هم بی‌توجهی می‌شود. برای درمان مشکل آب، طی دهه‌های اخیر سرمایه‌های زیادی به بهانه اجرای طرح‌های توسعه‌ای روانه جنوب شرق کشور شده اما این طرح‌های پرهزینه تقریباً هیچ آورده‌ای برای مردم این منطقه نداشته است.

مقامات: امیدواریم ادامه داشته باشد

در روزهای اخیر تصاویر منتشر شده حاکی از رهاسازی آب هیرمند به سمت هامون است. این اتفاق درحالی رخ داده که در سال جاری افغانستان شاهد بارش‌های قابل توجهی بوده‌وبرخی از کارشناسان بر این باورند که این رهاسازی آب تحت اختیار مقامات افغانستان نبوده و به عبارتی آنها چاره‌ای جز روانه کردن آب‌های سرریز شده به سمت ایران نداشته‌اند. با این حال مقامات دو کشور واکنش‌های مثبتی نسبت به این موضوع نشان داده‌اند.

ملا عبدالغنی برادر، معاون اقتصادی نخست‌وزیر طالبان، در دیدار با حسن کاظمی قمی، سفیر ایران در افغانستان اعلام کرد که آب رودخانه هیرمند پس از پایان خشکسالی چندساله، به استان سیستان و بلوچستان رسیده است. کاظمی قمی نیز در دیدار با امیرخان متقی، سرپرست وزارت خارجه طالبان ضمن تشکر از تعهد و اقدامات کابل به تأمین حقباقه ایران، ابراز امیدواری کرده‌که این روند رهاسازی آب از سده‌ها تداوم داشته باشد و حقباقه ایران از رود هیرمند تأمین شود. علی سلاجقه، رئیس سازمان حفاظت از محیط‌زیست هم با ابراز امیدواری از ادامه‌دار بودن روند رهاسازی آب، از ریزینی‌ها و نشست‌های متعدد میان مقامات دو کشور خبرداد و اعلام کرد که مسئولان حاکم بر افغانستان رویکرد مناسبی نسبت به مسأله حقباقه داشتند.

درویش: طالبان اراده مثبتی ندارد

محمد درویش فعال محیط‌زیست باتاکید بر اینکه هیرمند رودخانه‌ای است که آورده‌اش بیش از ۵ میلیارد مترمکعب در سال است، گفت: «حقباقه ایران از مجموع آورد سالانهٔ رودخانه هیرمند ۱۴ درصد است. بنابراین کشورما از این حقباقه ۸۲۰ میلیون مترمکعب سهم دارد. در حال حاضر گفته می‌شود که از ۸۲۰ میلیون متر مکعب ۷ درصد و در خوشبینانه‌ترین حالت ۱۱ درصد وارد کشورشده، یعنی چیزی حدود ۸۰ تا۹۰ میلیون مترمکعب. پس هنوز بخش قابل توجهی از آن حقباقه وارد ایران نشده است. دلیلش هم این است که دولت طالبان به کمک سد «کمال خان» توانسته مسیر رودخانه هیرمند را تغییر دهد و سرریز آبی که از سد «کاجکی» و سد کمال خان خارج می‌شود به جای اینکه مسیر طبیعی خود را طی کرده و وارد ایران شود، به سمت تالاب «گود زره» در مرز بین افغانستان و پاکستان می‌رود. گزارش‌هایی که دریافت شده حاکی از آن است که بیش از یک میلیارد مترمکعب آب به سمت گود زره رفته است، یعنی بیش از حقباقه ایران که ۸۲۰ میلیون متر مکعب است.

متأسفانه ایران هم نتوانسته که حقباقه را از طالبان بگیرد و این آبی که اخیراً آمده بیشتر از رودخانه «فراه‌رود» آمده. فراه‌رود یکی دیگر از رودخانه‌هایی است که از افغانستان جاری می‌شود و به ایران و تالاب «هامون صابوری» که در مرز ایران و افغانستان و یکی از تالاب‌های تشکیل‌دهنده دریاچه هامون است، می‌رسد. بارندگی در آن ناحیه خیلی زیاد بوده و افغانستان هم هنوز آنجا سد ندارد، بنابراین آب از کنترلش خارج شده و وارد ایران شده است. پس هیچ اراده مثبتی در دولت طالبان برای این مقدار آبی که وارد ایران شده نبوده و آنها اگر می‌توانستند این آب را هم نمی‌دادند. در حال حاضر هم یک پروژه برای ساخت سد روی فراه‌رود دارند و به محض تکمیل شدن ساخت این سد، یک قطره آب هم از افغانستان وارد خاک ایران نخواهد شد. گود زره محصول طبیعی رودخانه هیرمند است. یعنی هیرمند در طول سالیان سال با طی کردن مسیرش وارد هامون می‌شده و سرریز آن به سمت گود زره جریان پیدا می‌کرده. گود زره هم یک تالاب مثل بقیه تالاب‌ها است. وقتی آب داشته باشد، پوشش هم ایجاد می‌کند و پرندگان برمی‌گردند. اگر گود زره شوره‌زار است، پس هامون هم شوره‌زار حساب می‌شود. بالاخره اگر آب نداشته باشد تبدیل به شوره‌زار می‌شود. اتفاق دیالوگی که ایران باید با طالبان برقرار کند این است که ما مخالف گود زره نیستیم و می‌خواهیم مسیر طبیعی رودخانه طی شود. یعنی آب وارد هامون شود، در هامون سرریز کند و وارد گود زره شود. اگر آن مسیر طبیعی اتفاق می‌افتاد، هم ایران از آن نفع می‌برد و هم افغانستان. حتی پاکستان هم می‌توانست از آن منتفع‌شود و کل منطقه سرسبز و خرم می‌شد و چشمه‌های گرد و خاک هم مهار می‌شد. اما افغان‌ها میانبر زده‌اند و اجازه نمی‌دهند که آب وارد ایران شود و می‌خواهند آن را مستقیم وارد گود زره کنند. این اتفاق می‌تواند در کوتاه‌مدت میزان ورودی آب به گود زره را بهبود ببخشد اما چشمه بزرگ گرد و خاک در ایران به وجود می‌آید و با توجه به اینکه باد غالب از غرب به شرق است، بخش‌های غربی افغانستان و منطقه هرات متاثر خواهند شد و آنها هم آسیب‌بار خواهند دید.»

رهاسازی آب به نفع افغانستان است

متأسفانه مذاکره‌کنندگان ایرانی بلد نیستند که یک مذاکره برد-برد با دولت افغانستان و طالبان انجام دهند که ورود آب به ایران درنهایت به نفع هر سه کشور ایران، افغانستان و پاکستان خواهد بود. این اتفاق می‌تواند به شکل گرفتن حسن همجواری بهتر کمک کند. ما باید به سمتی برویم که بتوانیم با یکدیگر وارد تعامل شویم و نیازهای خود را به شکلی مطرح کنیم که حل آنها منجر به ضرر برای کشور دیگر نباشد؛ بلکه یک منفعت مشترک ایجاد کند. چنانچه از سمت خراسان جنوبی رودخانه‌هایی هستند که وارد افغانستان می‌شود و ایران هم جلوی آنها را نگرفته. اما چه دلیلی دارد که افغانستان جلوی این آب‌ها را بگیرد؟ ما باید رفاقت خود را به همدیگر اثبات کنیم و تلاش کنیم که بگوییم هر ققدر حال این کشورها بهتر باشد و وضعیت رفاهی شان بهبود پیدا کند، به نفع همدیگر است و می‌توانند به یکدیگر کمک کنند که در نهایت تجارت قوی‌تری شکل بگیرد. افغانستان باید بداند که بزرگ‌ترین شریک تجاری آن در منطقه ایران است و بنابراین بهتر است که هوای ایرانی‌ها را داشته باشد تا آنها هم هوای افغانستان‌ها را داشته باشند. تروریسم در منطقه کنترل شود و امنیت برقرار شود. به این ترتیب یک معامله برد-برد تعریف می‌شود.

می‌توانیم حتی بیشتر حقباقه بگیریم

درویش معتقد است که افغانستان به شدت به انرژی نیاز دارد. وی در این باره گفت: «در آن منطقه بادهای ۱۲۰ روزه وجود دارد که الان به بادهای ۱۶۰ روزه تبدیل شده. خوشبختانه اخیراً چندین توربین بادی در آنجا جانمایی کرده‌اند و ما می‌توانیم از انرژی بادی آنجا برق تولید کنیم و البته باید تعداد این توربین‌ها زیاد شود. سپس برق را به کشورهای همسایه صادر کنیم و در ازای آن حتی حقباقه بیشتری از آن ۸۲۰ میلیون مترمکعب بگیریم. افغانستان هم می‌تواند به مزرم خودش توضیح دهد که اگر ما داریم به ایرانی‌ها آب می‌دهیم، در عوض از آنها برق می‌گیریم و این یک معادله برد-برداست. به این ترتیب اگر پوشش طبیعی هامون برگردد و چشمه‌های تولید گرد و خاک مهار شود کیفیت دریافت انرژی هم بهتر می‌شود و حتی می‌توان در آنجا پنل‌های خورشیدی احداث کرد و تولید برق را افزایش داد. مشکل و خطایی که در ایران اتفاق افتاده این است که می‌خواستند از حقباقه برای تأمین آب نه فقط در زابل بلکه در کرمان و زاهدان استفاده کنند و طرف افغانستانی هم متوجه شد که این آب هرگز به گود زره نمی‌رسد و ایرانی‌ها می‌خواهند برای توسعه شهرهای خودشان از آن استفاده کنند. بنابراین حقباقه‌ای به تالاب بین‌المللی هامون نرسید و چشمه‌های تولید گرد و خاک افزایش یافت.

باید توجه داشته باشیم که بخش قابل توجهی از متخصصان آب افغانستان در دانشگاه‌های ایران و در همین دانشگاه‌تهران تحصیل کرده‌اند و ما خودمان این فهم بود شناختی را به آنها منتقل کردیم. اگر تا الان هم اجازه دادیم آبی وارد ایران شود به دلیل این است که آنها وزارت نیرویی مثل وزارت نیروی ما نداشته‌اند که اگر داشتند ۳۰ سال پیش همان بلایی که ما بر سر راننده‌ها رود آوردیم و گل‌خونی‌را از بین بردیم؛ بلایی که با زدن سد هاروی «کرا» و «اسوند» بر سر «بخگان» آوردیم؛ همان بلایی که با زدن سد روی کرخه و کارون بر سر «هورالعظیم» و «چاگدان» آوردیم؛ افغانستانی‌ها همین بالا‌ها بر سر هیرمند و هریرود می‌آوردند و اجازه نمی‌دادند که یک قطره آب به سمت ایران بیاید. ما متوجه نیستیم که باید یک معامله برد-برد تعریف کنیم تا ضمن احترام به قوانین طبیعت، همگی از آن سود ببریم.»

حداقل آب شرب این استان را تصفیه کنیم

درویش با اشاره به اینکه بیش از ۹۵ درصد بازندگی که امسال در استان سیستان و بلوچستان اتفاق افتاد، در قسمت بلوچستان بود، گفت: «در این استان شیب زمین به نحوی است که امکانی برای هدایت آب به سمت بالا فراهم نمی‌کند. سیستان منطقه بسیار کم‌بارشی است و میانگین بازندگی هایش زیر ۵۰ میلیمتر است و همیشه مدیون ورودی آب هیرمند بوده که از سمت افغانستان و ارتفاعات هندوکش می‌آمده. ما باید سعی کنیم با بجا آوردن حسن همجواری کاری کنیم که این حقباقه به ایران برسد و در عین حال کار دیگری که باید بکنیم این است که سیستم تصفیه‌خانه فاضلاب را در زابل راه بندازیم. شما اگر وارد زابل شوید باید دیده عجیبی روی ربه می‌شوید و آن بوی تعفن است که در شهر هست. این به دلیل این است که آب شربی که مردم استفاده می‌کنند تصفیه نمی‌شود و به صورت فیلتر نشده در معابر عمومی جاری می‌شود و به این ترتیب یکباردی آن امکان زیست باقی‌ماند را از دست کرده است. چرا ما آنجا یک تصفیه‌خانه نزنیم و با بازچرخانی این آب آرزوشمند، دوباره از آن استفاده کنیم؟ دست‌کم برای کشاورزی می‌شود از آن استفاده کرد. این کارهای مهمی است که ایرانی‌ها باید در آن منطقه انجام دهند.»

محمدنبی جلالی، پژوهشگر دکتری منابع آب دانشگاه تهران:

تفاوتی بین استراتژی هیدروپلیتیکی امارت با دوران غنی نمی‌بینم

به‌عنوان سوال آخر، وضعیت کنونی روند دریافت حقباقه، عملکرد دیپلماسی ایران، کمیساری آب و مقامات طالبان را چگونه می‌بیند؟

واقعیت خوشبین نیستم چون تفاوتی بین استراتژی هیدروپلیتیکی امارت اسلامی با دوران غنی نمی‌بینم؛ هر دو به شدت دنبال این بودند و هستند که منابع آب‌های فرامرزی کشور خود را حتی با دست بردن در طبیعت مهار کنند و البته شاید یکی از تفاوت‌های امارت اسلامی با دوران رئیس‌جمهور غنی این هست که برای کسب و مشروعیت و اینکه طیف‌های مختلف افغانستانی را همراه کنند، روی ابرپروژه‌های کلان که طی سالیان به تعویق افتاده بود مانند پروژه کانال قوش‌تپه که در زمان حاکمیت محمد داوود خان بر افغانستان و بین سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ طراحی شد و به‌طور غیر مستقیم بر کشور ایران نیز اثر می‌گذارد، بروند. در بیانۀ قبلی که طالبان اردیبهشت ۱۴۰۲ منتشر کردند گفتند که منطقه دچار خشکسالی است و امارت اسلامی تعهد می‌دهد که آب ایران را طبق معاهده بدهد؛ خوب حالا که سیل آمد، پس پاسخ به این سوال مهم از طرف افغانستانی که چرا چندین برابر حقباقه آب مجدد به شوره‌زار گود زره منحرف شده؟ و چرا وزیر کمال خان صراحت نمی‌شود؟ من میث‌المجموع اگرچه مذاکره‌ای از فوق‌العاده‌ترین تعاملات بشری به حساب می‌آید، اما گاهی اوقات مذاکره نکردن خودش یکی از بهترین استراتژی‌ها و تکنیک‌هایی است که می‌تواند مجموعه‌ای را به نتیجه برساند اما به شرط و شروطی؛ بدون تقویت ابزارهای متعدد قدرت، نشستن پشت میز مذاکره با این توهم که مذاکره کردیم، ما را به نتیجه مطلوب نخواهد رساند. به‌شخصه یکی از نگرانی‌های عمده‌ای که با توجه به انجام بیش از ۲۷ دور نشست و مذاکره دارم این است که طی مذاکرات‌های امارت ایرانی تضعیف‌شود؛ بر این باورم که مذاکره ایران با افغانستان در سر حقباقه هیرمند اگر فرآیند همگرایی اسلامی و منطقه‌ای را تسهیل و تسریع می‌کند، مناسب است ولیکن بدون تجهیز و تقویت ابزارهای قدرت حضور در این نشست‌ها، همان‌گونه که قبلاً نیز گفته شد ما را به نتیجه مطلوبی نخواهند رساند و در مجموع هرچند مذاکره‌گام بسیار مهمی است؛ ولیکن در پایان بخشیدن به این منازعه که در سطوحی لاقل هویتی است باید حساسیت‌ها و ظرافت‌های هویتی به شدت لحاظ شود. درنهایت فکر می‌کنم نه‌تنها سیاست یک نهاد یا دو نهاد؛ بلکه سیاست کلی جمهوری اسلامی سازش با طالبان است و البته نگرانی نیست به سازش؛ حقیقتاً سازشی که قرار است مشروط به مشروعیت دادن به امارت اسلامی یا اخیراً به سازشی است مقطعی با طالبان تا میانه‌روهایشان تقویت و تندروهایشان تضعیف‌شود و سازشی است مقطعی به خصوص در این انتقال قدرتی که زیرپوستی در جهان در حال شکل‌گیری است و نقشی که افغانستانی به‌عنوان پیوندگاه تمدن‌های بزرگ جهان در تثبیت هم‌زمنی کشور ایران می‌تواند داشته باشد. دیدگاهم این است که اگر نازگیریم از سازش لاقل باید این سازش مقطعی باشد.

هم بپذیریم منی که در تهران زندگی می‌کنم اگر بروم در قند‌ها سرمایه‌گذاری کنم یا قند‌های ما سرمایه‌گذاری کنند در چابهار این پاسخ پایداری نخواهد بود چون منی که در تهران هستم تجربه زیستی نسبت به سیستان ندارم. نه خودم، نه اطرافیانم برای ماه‌ها قرص و اسپری ضد آسم مصرف نکرده‌ایم.

ما در کشور با بحران آب مواجه و هم‌اکنون وجود در خیلی از مناطق خشک مثل سیستان محصولات آبی برمی مثل هندوانه کشت می‌کنند. این موضوع چقدر می‌تواند آسیب‌زا باشد و آیا می‌شود از آن جلوگیری کرد؟

جالب است بدانید که طبق پایگاه Wot که درگیری‌های آبی را شناسایی می‌کند تقریباً یک‌سوم درگیری‌های آبی بعد از سال ۲۰۲۰ شناسایی شده‌اند.البته این صرفاً به‌معنی آن نیست که آب عامل درگیری است و می‌تواند عامل همکاری هم باشد؛ اما این نشان از وضعیت تشدید ناخ‌آب‌ها در سال‌های اخیر نشان می‌دهد، یعنی آب به روز برای جوامع مهم‌تر شده است. «مشکل ما این است که می‌خواهیم در کشاورزی هلند به قول یکی از اساتیدم، «مشکل ما این است که می‌خواهیم در کشاورزی هلند باشیم؛ در فناوری سیلیکون‌ولی و در محیط‌زیست دانمارک و فنلاند باشیم.» واقعاً چه ضرورتی وجود دارد این چند دهه جزو پنج کشور صادرکننده هندوانه باشد؟ محصولی پرآب‌بری مثل هندوانه در جایی که عدم قطعیت بالایی در دریافت آب داریم، کشت می‌شود. سالیان پیش در سیستان حتی صادرات هندوانه هم داشتیم ولی الان کمتر است. هر عدد هندوانه از زمان کشت تا برداشت تقریباً ۵۰ لیتر آب نیاز دارد. واقعاصرف این میزان آب برای تولید هر عدد هندوانه و فروش یا صادر کردن آن با بهایی ناچیز به هیچ وجه به‌صرفه نیست. متأسفانه سیاست‌های حمایت از تولید محصولات کشاورزی پرآب‌خواه در مناطقی که با محدودیت آبی مواجه هستند، از قضا کاملاًمقابل رویکرد آب مجازی است. ما نباید افتخار کنیم که صادرکننده اول هندوانه هستیم. به عبارتی صادرکننده حجم قابل توجهی آب شیرین در شرایطی هستیم که درجه حرارت منطقه‌ای مثل سیستان و بلوچستان این‌گونه است. به گفته سخنگوی گرمک در سال ۱۴۰۱، ما ۱۱ میلیون دلار به ترکیه و ۶۴ میلیون دلار به افغانستان هندوانه صادر کردیم. به نظر شما ترکیه دارد چه کاری می‌کند؟ قرار است کشاورزی را در حوضه فرامرزی ارس توسعه دهد و آب را مهار کند.

انظرف هیدروپلیتیکی این‌بیان‌کننده‌نکته‌وپاس‌مهمی برای مسئولین مربوطه‌است، یعنی دقیقاکشوری مثل ایران که نباید وابستگی‌اش را در حوضه فرامرزی به آب بیشتر کند از قضا دارد همین کار را می‌کند و در حوضه‌های شمال غربی و برعکس کشورهای افغانستان ترکیه به‌عنوان صادرکننده اول در زمینه‌سیلنگی‌شان را به منابع آب بیشتر می‌کنند. مطالعات ما حاکی از این است که این کشور به‌شدت به‌دنبال این است که وابستگی را در سطح محلی به منابع آب بیشتر کند. یعنی عملاً در سال‌های پیش رو ما دیگر فقط طرف حساب دولت افغانستان نیستیم بلکه با مردم محلی افغانستان که حالا طریق کشاورزی و وابستگی به منبع آب‌شان ازباز می‌کنند، رویه‌رو هستیم و اصطلاحاًدیگر مناقشه دولت با دولت نیست بلکه دولت با مردم افغانستان خواهد بود و این رنگ خط‌است.

کارشناسان حوزه هیدروپلیتیک، نگرانند که امسال هم امارت اسلامی، خلف وعده کند و حقباقه ایران را به‌طور کامل رهاسازی نکند. محمد نبی جلالی، پژوهشگر دکتری منابع آب دانشگاه تهران یکی از این کارشناسان است. او چندان خوشبین نیست که حقباقه ایران به‌طور کامل رهاسازی شود. متن گفت‌وگوی «فرهیختگان» با این کارشناس حوزه هیدروپلیتیک را در ادامه می‌خوانید.

به دنبال بارش‌های قابل توجهی که این فصل رخ داده منابع خبری اعلام کردند که ۷ تا ۱۱ درصد از حقباقه ایران رهاسازی شده. با این حال اما انتقال و پرداخت حقباقه ایران شرایط خوبی ندارد. تحلیل شما در این باره چیست ؟
بله، اندک آبی از حقباقه قانونی ما دریافت شده و البته برخلاف تمام قوانین بین‌المللی و معاهده هیرمند، چند برابرش به یک شوره‌زار بی‌سکنه منحرف شده و تبخیر شد تا به قول برخی اکوسیستم شوره‌زار هم احیا شود. دقت کنید یعنی حاضرند در مسیر طبیعی رودخانه هیرمند دست ببرند و آب به بیابان بی‌سکنه برود و تبخیر شود ولی به چند میلیون سیستانی‌که حق قانونی‌شان است اکاره آب برسد. معالجه‌ها مشخص است. که طبق ماده ۲ و ۳ و معاهده هیرمند، در صورت نرمال و فوق نرمال بودن جریان آب در ایستگاه آب‌سنجی دهاروود، افغانستان موظف است حقباقه ایران را برای مصارف شرب و زراعت) به میزان متوسط ۲۶ مترمکعب بر ثانیه معادل ۸۲۰ میلیون مترمکعب آب در سال بدهد. اما افغانستان با تکمیل بند انحرافی کمال‌خان که برخلاف معاهد‌های عمل کرد که طبق آن موافقت کرده بود اقدامی نکند که ایران را از حقباقه هیرمند محدود یا کلاً محروم سازد. من حیث‌المجموع درست‌است اندک آبی به‌سمت کشور ما روانه شده اما ذکر چند نکته ضروری است. اولاً همین آبی هم که روانه شده طبق معاهده حقباقه شرب و زراعت است و با توجه به اینکه در این مناقشه غیر از ایران و افغانستان، بازیگر سومی نیز به نام محیط‌زیست حضور دارد که نفس می‌کشد و مرزهای سیاسی انسان ساخت ما را نمی‌شناسد. حق محیط‌زیست سالم حتی طی سالیان اخیر جز حقوق بشر هم به رسمیت شناخته شده است، بنابراین باید بدانیم حقباقه تالاب‌های هامون جدای از حقباقه معاهده است. دوام طبق جدول تقسیمات ماهانه داریم که براساس ماده ۳ و ۲ باید حقباقه به‌صورت لحظه‌ای و در تمام طول سال از سد کجکی رهاسازی شود. یعنی جریان آب نباید در هیچ لحظه‌ای قطع‌شود، عزیزان افغانستانی مطلع‌ترند. مردم محلی حوضه ابریز هیرمند به امید اینکه به موقع آب روانه مزارع‌شان شود، می‌توانند برنامه‌ریزی کنند.

مورد سوم و مهم‌ترین بحث اصلاح سرریز بند انحرافی کمال‌خان نیز ضروری است. این سازه علاوه بر سه کانال خروجی از سد، مازاد ظرفیت سد را که می‌توانست به‌سمت ایران جاری شود، توسط دو سازه جانبی با انحراف نزدیک به ۱۸۰ درجه‌ای به سمت شوره‌زار گود زره برگردانده شده و عملاً طی هفته‌های اخیر مشاهده کردیم این سازه مسبب انحراف آب از مسیر رودخانه هیرمند و بخش